

منهای فوتبال

۱۶سال دوراز IOC



صد و سی و ششمین نشست سالانه کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) عصر روز جمعه به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد. در این نشست پنج عضو جدید معرفی شدند که در بین آنها دو نماینده از آسیا حضور دارند که از عربستان و مغولستان هستند. نگاهی کوتاه به اعضای IOC خاطره سال‌های دور را به یاد ما می‌آورد؛ زمانی که ایران هم نماینده داشت و مصطفی هاشمی‌طبا عضو ایرانی کمیته بین‌المللی المپیک بود. یک کرسی مهم که با بدسلیقگی از دست رفت و بعد از گذشت ۱۶ سال، هنوز به دست نیامده است. هاشمی‌طبا که در سال‌های ۶۵ تا ۶۷ و ۷۵ تا ۸۳ ریاست کمیته ملی المپیک را برعهده داشت، در سال ۷۹ تا ۸۳ به عضویت کمیته بین‌المللی المپیک درآمد. با روی کار آمدن محسن مهرعلیزاده به عنوان رییس جدید سازمان تربیت‌بدنی، اختلافات بین کمیته و سازمان تربیت‌بدنی روز به روز بیشتر شد. به نظر می‌رسید هاشمی‌طبا در دولت جدید جایی ندارد؛ تا جایی که در سال ۸۳، سازمان تربیت‌بدنی به استقبال انتخابات کمیته ملی المپیک رفت. تغییر ۹ رییس فدراسیون و چینش مهره‌ها، فضا را برای برکناری هاشمی‌طبا و ورود رییس بعدی آماده کرد و با وجود اینکه مشخص بود با عدم انتخاب وی، کرسی بین‌المللی هم از دست خواهد رفت اما از ریاست کمیته برکنار و رضا قراخانو جایگزین شد. به همین راحتی جایگاه بین‌المللی از دست رفت تا قراخانو بعدها از این اتفاق به عنوان بزرگ‌ترین اشتباه ورزشی‌اش نام ببرد. هاشمی‌طبا درباره این کرسی و اتفاقات آن سال‌ها، گفت: «در سال ۶۷-۶۸ هم می‌توانستیم این کرسی را بگیریم و عضویت نزدیک بود اما به خاطر برخی دوستان داخلی فعالیت‌هایی صورت گرفت که نتوانستیم».

■ ■ ■

تلاش برای

بازگشت هیجان به والیبال

باشیوع کرونا در تیم‌های والیبال، نگرانی‌هایی درباره برگزاری لیگ این رشته وجود دارد. با این حال محمدرضا داورزنی موافق برگزاری لیگ والیبال است. او در این باره گفت: «برخی از باشگاه‌ها لوپاس این هستند که لیگ برگزار می‌شود یا نه، شرایط کرونا با توجه به موج دوم نگران‌کننده است و باشگاه‌ها هم نگران هزینه‌هایی هستند که انجام می‌دهند. پیکان و سایپا هم قراردادهای خود با بازیکنان مدنظرشان را بسته‌اند، اما منتظر این بودند که لیگ تعیین تکلیف شود.» وی افزود: «همه تلاش ما این است که آن شور و هیجان مدنظر وارد والیبال و لیگ شود، چون توقف مسابقات به ضرر تیم ملی است. اگر می‌خواهیم در المپیک موفق باشیم، باید بازیکنان خود را در جریان لیگ قرار دهیم زیرا عدم برگزاری مسابقات به آماده‌سازی بازیکنان لطمه می‌زند. امیدوار هستیم شرایط به نحوی باشد که مسابقات شروع و بازیکنان آماده‌تر شوند.»

■ ■ ■

هشدار به سقوط دوومیدانی

محمدرضا کاظمی اُشتیانی رییس سابق فدراسیون در مورد وضعیت دوومیدانی کشور هشدار داد. او گفت: «وضعیت دوومیدانی آنقدر بد شده که باید بگویید کجای آن مشکل ندارد. یک عده فکر می‌کنند مشکل این رشته نداشتن رییس است، اما اگر رییس هم بیادباز هم حل نمی‌شود، چون این مشکلات سال‌هاست که در هم تنیده‌اند و احتیاج به رسیدگی خاص می‌خواهد. برای اینکه بدانیم مشکلات چیست باید به یک سطحی از آگاهی برسیم و با پشتیبانی منابع مالی و انسانی بتوانیم نقاط مثبت را بهبود بخشیم و نقاط منفی را برطرف کنیم.» وی افزود: «دوومیدانی در سقوط سختی قرار دارد که جمع کردن آن بسیار مشکل است. به همه این مشکلات باید انتخابات فدراسیون را هم اضافه کنیم. موضوعی که وجود دارد این است که مشخص نیست چه کسی برای دوومیدانی ایران تصمیم می‌گیرد. زمانی که در فدراسیون بودم شنیدم که نماینده‌ای از هند برای بازدید از آفتاب انقلاب می‌خواهد به ایران بیاید در حالی که من به عنوان رییس خبر نداشتم. بعد از متوجه شدن نامه‌ای به کنفدراسیون آسیا فرستادم و گفتیم ما نباید، اما در نهایت آمد و بازدید هم کرد!»

ستاره‌هایی که ترک پرسپولیس به ضررشان تمام شد

بمان، بجنگ و ببر!

باشکست دادن فولاد در آزادی، ماموریت قهرمانی لیگ برای پرسپولیسی‌ها را دیگر باید تمام‌شده تلقی کرد.

فاصله این تیم با رقیب آنقدر زیاد است که شاید حتی یک معجزه هم. قهرمانی را از این باشگاه نگیرد. با این حال فصل برای پرسپولیس هنوز رسماً تمام نشده است. آنها هنوز باید در جام حذفی و لیگ قهرمانان بار قبا مسابقه بدهند. نزدیک شدن به پایان فصل، بار دیگر شائبه جدایی ستاره‌های سرخپوش را بر سر زبان‌های اندازد. با این حال تجربه نشان می‌دهد مهره‌هایی که در چند فصل گذشته این باشگاه را ترک کرده‌اند، فاصله زیادی با نقطه ایده‌آل دوران فوتبال شان دارند.



آر بار هنوز در

درخشش سیامک نعمتی در نبرد با فولاد، معنای واضح و مشخصی دارد. اینکه در دست‌وقتی احساس می‌کنید در یک باشگاه به بین‌بست، رسیده‌اید به جای کنار آمدن با واقعیت‌ها یا تسلیم شدن، باید یک کار بزرگ برای انجام دادن پیدا کنید. سیامک در همه هفته‌های

لیگ نوزدهم، موفق به گل‌زنی برای پرسپولیس نشده بود. یک فصل بدون گل زده برای بازیکنی با نقش هجومی در زمین، می‌توانست یک فاجعه تمام‌عیار باشد اما نعمتی بهترین زمان ممکن را برای گل زدن انتخاب کرد. او دروازه تیمی را گشود که در ظاهر، دفاع بسیار بی‌نقصی داشت. همه چیز آماده به نظر می‌رسید تا پرسپولیس پس از پنج

پیروزی متوالی، متوقف شود اما این اتفاق هرگز رخ نداد. سرخ‌ها در شرایطی که حتی مهدی ترابی را به عنوان گل‌زن همیشگی گل‌های سه امتیازی در اختیار نداشتند، باز هم یک گل سه امتیازی به ثمر رساندند و فولاد را نیز کنار زدند تا در این فصل، حداقل یک برد را روبه‌روی همه تیم‌های مدعی به دست آورده باشند. این برد حساس با

گل بازیکنی به دست آمد که از شروع فصل در انتظار باز کردن دروازه رقیب بود. بازیکنی که خیلی‌ها تصور می‌کردند دوران درخشش او در پرسپولیس دیگر تمام‌شده است. دوران حضور سیامک در جمع قرمزها، همیشه به شدت سخت و پیچیده بوده است. او در شرایطی به این تیم اضافه می‌شد که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد در انبوه ستاره‌های تیم برانکو،

که آلتلی سیمونه نیز در رقابت‌های لیگ، به هیچ وجه در قامت یک مدعی جدی برای قهرمانی ظاهر نشد. از سوی دیگر، باید این موضوع را نیز پذیرفت که رئال مادرید در این فصل، بهترین باشگاه لالیگا بوده است. آنها به لحاظ کیفیت، سز او را این قهرمانی به نظر می‌رسیدند. حتی اگر در سطح فوق‌العاده و شگفت‌انگیزی نیز نبوده باشند. این تیم حتی بدون حضور هواداران‌ش و حتی خارج از بازی‌ها، «برنده» بود و این در فوتبال امروز، از هر چیز دیگری مهم‌تر است.

پس از قهرمانی رئال در لالیگا، خیلی‌ها از زیدان به عنوان «بهترین مربی دنیا» یاد می‌کنند. اطمینان به چنین گزاره‌ای اما هنوز کمی سخت به نظر می‌رسد. این موضوع حقیقت دارد که زیرو بدون «سوپرستار» از رئال مادرید یک قهرمان ساخته است. تیم او نه کریس رونالدو را در اختیار دارد، نه می‌تواند روی بیل حساب کند و نه در بسیاری از هفته‌های این فصل، به ادن هازارد تکیه کرده است. تیم او به بازیکن خاصی وابسته نیست و در این فصل، ۲۱ گل زن مختلف داشته است. عددی که برای یک باشگاه با انبوهی از بازیکنان جوان، شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد. با این حال هنوز هم در گوشه و کنار، انتقادهایی از زیدان به گوش می‌رسد. اینکه او نتوانسته هازارد را به سطح خوبی برساند، اینکه تیم او درون زمین چشم‌نواز فوتبال بازی نمی‌کند و اینکه ارسال‌های بلند و ضربات پناالتی، بهترین راه برای به گل رسیدن این باشگاه هستند.

دوم نتوانست خودی‌نشان بدهد. به ثمر رساندن تنها پنج گل در دومین فصل بازی برای شیرهای لندن، موجب شد که باشگاه در نیم‌فصل او را به یوندس لیگا برگرداند. یوگی لوو، شور له را برای بازگشت به فوتبال آلمان ترغیب کرد. این تصمیم، تاحدودی به سود این بازیکن تمام شد. چرا که او دوباره توانست خودی‌نشان بدهد و از وولفسبورگ، به دور تموندبرود. با این حال حضور در تیم جدید، برای این بازیکن اصلاً موفقیت‌آمیز نبود. او برای مدتی به فولام و سپس اسپار تاک مسکو قرض داده شد اما به دلیل مصدومیت‌ها، نتوانست بازی‌های چندانی برای این دو تیم انجام بدهد. مهم‌ترین هایلایت از دوران فوتبال شور له بدون تردید، به پوشیدن پیراهن آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴ برمی‌گردد. او در آن جام، یکی از بهترین‌های نمایشافت بود و نقش مهمی در

مجالی برای بازی به دست بیاورد. او همان روزها با ایده ترک تیم نیز روبه‌رو شد اما تصمیم گرفت به جنگیدن ادامه بدهد. همان بازیکن نیمکت‌نشین، در نهایت در بخشی از حساس‌ترین بازی‌های تاریخ باشگاه پرسپولیس به میدان رفت و اولین بازیکنی شد که برای این تیم، گل صعود به فینال لیگ قهرمانان را می‌زند.

ترکیب فولاد برابر پرسپولیس، یک چهره آشنا برای هواداران تیم صدرنشین لیگ برتر داشت. فرشاد احمدزاده بازیکنی بود که به سرعت در پرسپولیس جافتاد و اعتماد برانکو را جلب کرد. او با پیراهن شماره ۱۰، بازی‌های زیادی برای سرخپوشان انجام داد و در دو جشن قهرمانی متوالی هم شرکت کرد اما همین که با اولین زمزمه‌های انتقادی به‌خاطر چند نمایش ضعیف‌روبه‌رو شد، گوش‌هایش را روبه‌روی هوادارها گرفت و دائم‌نامه آنها کنایه زد. فرشاد به تصور خودش با رفتن به اروپا، به همه چیزی می‌رسید اما جداز یک ضرر بزرگ مالی به خاطر قرار داد ناچیز با باشگاه لهستانی، به لحاظ فوتبالی هم فقط پسرقت کرد. او با خواهش به پرسپولیس برگشت اما این باشگاه دیگر با هیچ‌کس تعارف نداشت و یحیی، خیلی زود نام این بازیکن را از فهرست تیم خارج کرد. این تاوان بازیکنی بود که برای جدایی، حداقل تا زمان باز شدن پنجره نقل و انتقالات صبر نکرد. در همان پنجره، وحید امیری هم از پرسپولیس رفت اما خیلی زود متوجه شد که اشتباه کرده است.

وحید فقط یک فصل در تراپوز آن دوام آورد و خیلی زود، دوباره به خانه‌اش برگشت. چرا که خوشبختی مدنظر او نیز درست مثل فرشاد، در پرسپولیس پیدا بود. در این چند فصل نه آنهایی که با تصمیم خودشان از پرسپولیس رفتند به همه چیز رسیدند و نه آنها که ناچار به ترک تیم شدند. ستاره‌هایی مثل مسلمان و شایان مصلح، در حال



سه قهرمانی پیاپی در اروپا، یک دستاورد حیرت‌انگیز است اما تیم زیزو در دومین مقطع حضور این مربی، هنوز به آن سطح قبلی برگشته و در فرم متوسط‌تری فوتبال بازی می‌کند. اگر آنها فریب جملات اغراق‌آمیز و ستایش‌های غیرواقعی را بخورند، شاید در آینده نزدیک با لطمه بزرگی روبه‌رو شوند. چرا که این قهرمانی بیشتر از شایستگی‌های کهکشانی‌ها، حاصل ضعف مفرط رقبای آنها بوده است. زیدان در دوران بازی، یک افسانه تمام‌عیار بود اما در دوران مربیگری، هنوز به آن سطح نرسیده است. شاید دیدار بازگشت با سیتی

رسیدن تیمش به قهرمانی جهان داشت. ۲۹ سالگی برای خیلی از فوتبالیست‌ها، زمانی برای رسیدن به نقطه اوج تلقی می‌شود اما شور له در همین سن و سال، دیگر در زمین فوتبال دیده نخواهد شد. او هنوز تصمیمی برای آینده‌اش نگرفته اما بعید نیست که در قامت یک سرمربی جوان، خیلی زود به یوندس لیگا برگردد. آندره بیشتر از هر تصویر ی، با پاس گل قهرمانی مارکو توئزه به آرژانتین در فینال جام جهانی به یاد آورده خواهد شد. هر دو خالق آن صحنه فراموش نشدنی، سر نوشت خوبی در دنیای فوتبال نداشتند و قرار دارد هر دو نفر از سوی باشگاه دور تموندفسخ شد. با این حال همه ماجراهایی که بعد از آن اتفاق افتاد، حتی ذره‌ای از لذت آن گل و آن پاس گل را از بین نمی‌برد. صحنه‌ای که بدون شک مهم‌ترین لحظه از زندگی فوتبالی هر دو بازیکن بود.